

ابراهیم ایراهیمیان؛ کارگردان «پیلوت» در گفت و گویا «صبا»:

سخت گیرم!

معصومه قاسمی
گفت و گو

ابراهیم ایراهیمیان فعالیت سینمایی خود را از سال ۱۳۹۲ با فیلم «ارسال یک آگهی تسلیمت برای روزنامه» آغاز و با آن در سری دومین جشنواره فیلم فجر شرکت کرد. «دابلند» نام فیلمی است که ایراهیمیان هم اکنون آن را برای سینمای کشور گرجستان ساخته است. نکته مهم این فیلم فضای بسیار متفاوت آن یادگیر آثار این فیلمساز است. فیلم «پیلوت» ساخته ایراهیمیان این روزها روی پرده سینماهاست؛ به پهنه آکران این فیلم با او کار گفت و گویی داشتیم که در ادامه می خوانید.

شما با فیلم «ارسال آگهی تسلیمت» کار خود را در سینمای ایران آغاز کردید؛ با توجه به این که هم در آن فیلم و هم در «پیلوت» علاوه بر کارگردانی، نویسندگی را هم بر عهده داشتید، دلیل شیلت این دو داستان به ویژه در سوژه و قصه یعنی مقوله مرگ چیست؟

این دو داستان به صورت تماتیک به هم شبیه هستند و در سایر موارد شباهت چنداتی به هم ندارند؛ به طور کلی در هر سه فیلم «ارسال آگهی تسلیمت»، «آدت نمی کنیم» و «پیلوت» که در ایران ساختم، یک تگرش مرگ آندیش و وجود دارد و مرگ به صورت درامتیک و تماتیک روی حوادث داستان اثر می گذارد و وجه مشترک هر سه اثر است؛ در فیلم «آدت نمی کنیم» مقوله مرگ از شخصیت های اصلی دور تر و فیلم گیشه ای تر است و دو کار دیگر آندیشه محور ترند؛ این جنس فیلمسازی از یتک عاطفی و درون من ناشی می شود و هیچ گاه از قبل برای ساخت یک اثر مهندسی نمی کنم و به صورت ناخودآگاه به ساخت فیلم می پردازم؛ به عنوان یک فیلمساز، دغدغه و رسالت انتقال آندیشه به مخاطب را دارم، هر چند که آن ها به دلیل چرخه معیوب سینما بیشتر محتوای سخیف دریفت می کنند؛ این سه اثر در یک راستا ساخته شده و یکدیگر را تکمیل می کنند و به گمانم به یک سه گانه مرگ آندیش در سینما تبدیل شود و یک ایندولوژی را در کارنامه من شکل دهد. کار اکثر های این فیلم ها بر گرفته از شخصیت های واقعی و اطرافیاتم هستند که از نزدیک یا آن ها در ارتباط بودم و بعد از ادغام یاد من، روتد اصلی داستان را شکل داده اند. بعد از ساخت این سه فیلم، هر و تده این نوع فیلمسازی بسته شده و این خط تماتیک بر ایم به پیلین رسیده است و دیگر این جنس فیلم را حداقل برای مدتی نخواهم ساخت. در فیلم جدیدی که در کشور گرجستان کارگردانی کردم به طور کلی شکل فیلمسازی ام را تغییر داده و به سمت رئالیسم جادویی رفتم. در این فیلم بر خلاف سه کار قبلی ام فیلمنامه نویسی نیستیم چرا که قصد تغییر مسیر و تجربه کار جدید و شکستن فضای ذهنیم را داشتیم و بر علیه خودم قیام کردم؛ سعی دارم شکل فیلمنامه نویسی ام را هم تغییر دهم؛ شاید در آینده یک فیلم کمدی در ژانر بسازم زیرا معتقدم بسیاری از کمدی های ساخته شده در سینما در ژانر نیستند.

با توجه به این که برخی از منتقدان تکنیک استفاده دوربین در دست را از لحاظ فنی مورد تایید قرار نمی دهند، چرا در «پیلوت» از این تکنیک استفاده کردید؟

این جمله که استفاده از دوربین روی دست از لحاظ فنی مشکل دارد، کلمات درست است و این نوع تقدها خیلی سازنده نیستند. منتقدان بیشتر باید آندیشه و محتوای اثر را نقد کنند؛ به عقیده من تکنیک باید در اختیار محتوا قرار بگیرد و فیلمساز با توجه به داستان از تکنیک های موجود استفاده کند؛ فیلم «آدت نمی کنیم» یا دوربین ثابت، «ارسال آگهی برای تسلیمت» تلفیق دوربین ثابت و روی دست و «پیلوت» به طور کامل با دوربین روی دست فیلمبرداری شده اند؛ به عقیده خودم کارگردانی فنی هستم و از تکنیک برای چفت کردن فرم و محتوا استفاده می کنم؛ با توجه به داستان «پیلوت» و بیان بهتر محتوا و تشن دادن قضایی قصه گو و این که مخاطب در مرکز داستان قرار گیرد از قضای مستندگوته البته یاد کوپاژ سینمایی و تشدید رئالیسم استفاده کردم؛ فیلمبرداری «پیلوت» با یک لنز آتفورمیک تله ۱۰۰ اتچلم

- سر دی فضای
- فیلم به دلیل
- سر دی روابط
- بین شخصیت های
- آن بود؛ سایر
- نشانه های این اثر
- برای بیان آندیشه
- و باز تولید یک
- تیم در یک مسیر
- به صورت آگاهانه
- و دغدغه مند مورد
- استفاده قرار
- گرفته اند

شده است چرا که می خواستم کاراکتر های فیلم در میانه قاب یا یک گزاندهایی که قصه گو هستند، قرار بگیرند و مخاطب خود را وسط داستان احساس کند؛ با توجه به سختی فیلمبرداری بالنز ۱۰۰ دوربین روی دست، علیرضا یازده این ریسک را پذیرفت و در استفاده از این تکنیک بسیار به من کمک کرد؛ به طور کلی من سراغ هر چیزی می روم که به بیان بهتر آندیشه ام کمک کند. با توجه به این که «پیلوت» اثری پر از درگیری و تنش است، چرا فقط یک لوکیشن اصلی دارد و فضای کلی فیلم سرد است؟

داستان «پیلوت» به گونه ای بود که باید در یک روز و در یک مکان واحد بیان می شد؛ در واقع همان وحدت زمانی و مکانی بود که درام را شکل داد؛ این موضوع انتخاب من بود، این که یک داستان را در یک روز و یک مکان روایت کنم و در این مورد به ارزش گذاری فکر نکردم، هر چند همان طور که گفتم این شکل بیان قصه بر ایم به پیلین راه رسیده و مخاطبان در آینده شاهد فیلم هایی با لوکیشن های متنوع و سیکی کلاما متفاوت از من خواهند بود؛

سر دی فضای فیلم به دلیل سردی روابط بین شخصیت های آن بود؛ سایر نشانه های این اثر برای بیان آندیشه و باز تولید یک تم در یک مسیر به صورت آگاهانه و دغدغه مند مورد استفاده قرار گرفته اند.

با توجه به بازی بسیار درخشان بازیگران «پیلوت» و توانایی آن ها در ایفای نقش تمی توان تأثیر انتخاب بازیگر در جای درست و اهمیت بازی گرفتن از آن ها را در این موفقیت تأیید کرده است؛ در این خصوص توضیح دهید.

هنگلمی که مشغول نوشتن فیلمنامه این اثر بودم، حدود ۱۰ ماه قبل از شروع کار به همه این بازیگران به جز حمیدرضا آذرنگ و بهدخت ولیان روی کاغذ فکر کرده بودم و با جواد عزتی و سعید آقاخانی هم در این خصوص صحبت کرده بودم؛ قرار بود به جای حمیدرضا آذرنگ، هادی حجازی قرار بگیرد؛ نقش «وحید» در «پیلوت» باشد که به دلیل تمام تشدن کار قبلی اش و همچنین تجربه خوب من در کار با حمیدرضا آذرنگ، او برای این نقش انتخاب شد؛ من بعد از ساخت آخرین فیلمم در کشور گرجستان تجربه بسیار خوبی در گرفتن بازی از بازیگران کسب کردم؛ هنرپیشگان فیلمی که در خارج از کشور ساختم بسیار حرفه ای بودند و من از آن ها چیزهای زیادی آموختم که اگر در این زمینه پخته تر شوم اتفاق بسیار خوبی در سینمای ایراهیم ایراهیمیان خواهد افتاد؛ یکی دیگر از عوامل بازی های درخشان «پیلوت» این بود که بازیگران این فیلم به طور کامل خودشان را به من سپردند؛ به علاوه تمرین و برخورد حرفه ای بازیگران با نقش ها

